

۵۳۰۰۰ سال تلف شده

اندکی تأمل و تعقل لازم است!

حسین نامی ساعی

تصویر گر: میثم موسوی

شاید هم با تأسف، به محمدی عمیق نگاه می‌کرد و فهمید که منظور زهرا از این حرف‌ها چیست و خواست حرفی بزند که زهرا از او اجازه خواست و پای تخته رفت. ماژیک را از خانم گرفت و نوشت؛ تعداد دانش‌آموزان کلاس ما ۳۷ نفرند. بعد گفت: در همین زنگ، ۱۵ دقیقه اول زنگ به‌علاوه ۲۰ دقیقه حضور و غیاب به‌علاوه ۳۰ دقیقه پاسخ دادن به سؤالات مسئولان گروه‌های آموزشی اداره کل می‌شود؟ و نوشت:

$$۳۰ + ۲۰ + ۱۵ = ۶۵$$

و ادامه داد: کل ساعت آموزشی این زنگ ما ۹۰ دقیقه است، البته از خانم زبردست مدیر مدرسه شنیده‌ایم که قرار است در برنامه درسی ملی هر زنگ ۵۰ دقیقه شود. خوب با حساب ۹۰ دقیقه فعلی تنها ۲۵ دقیقه از آن باقی می‌ماند. خانم دبیری: شما قبول می‌کنید که واقعاً در این ۲۵ دقیقه بهترین دانش‌آموزان هم از درس ریاضی نکاتی را که باید یاد بگیرند متوجه نمی‌شوند؟

و باز ادامه داد، خانم! می‌دانید که ۶۵ دقیقه وقت تلف شده از این کلاس برای ۳۷ نفر چند دقیقه می‌شود؟ و نوشت:

$$۳۷ * ۶۵ = ۲۴۰۵$$

بله! ۲۴۰۵ دقیقه و این عجیب است که در ۹۰ دقیقه ۲۴۰۵ دقیقه وقت تلف شده است!

زهرا محمدی یک گریزی هم به کل زد و گفت: خانم! ما امسال حدود ۱۴ میلیون دانش‌آموز در سراسر ایران داریم. ساعت رسمی آموزشی در هر روز برای هر دانش‌آموز از ۷/۵ صبح تا ۱۲/۵ ظهر ۵ ساعت یا ۳۰۰ دقیقه است. با حساب هر هفته ۵ روز آموزشی (به‌غیر از پنجشنبه و جمعه) می‌شود.

مطالب را تمام کند! بیشتر بچه‌ها توضیحات خانم را به دلیل سریع درس دادنش متوجه نمی‌شدند. در همین حین زهرا محمدی شاگرد اول کلاس، به نشانه پرسش دستش را بالا آورد. خانم دبیری رو به زهرا گفت: بفرمایید عزیزم. همه فکر می‌کردند که زهرا سؤال درسی دارد. ولی خیلی عجیب بود که زهرا به خانم گفت: «خانم می‌تونم یک انتقاد از شما و مدرسه و برنامه آموزشی بکنم؟» خانم گفت: بله عزیزم، ولی فکر می‌کنی الان، اونم هم تو این وقت کم، مناسبه؟! نمی‌شه بذاری برای جلسه بعد؟ زهرا محمدی گفت: خانم دبیری، این انتقاد آنقدر مهم و مرتبط با مسایل درسی است که فکر می‌کنم بهترین موقع برای گفتنش است. حتی اگر لازم شود درس امروز را متوقف کنید و به جلسه دیگر ببندازید! خانم دبیری که این صحبت را شنید بسیار تعجب کرد. ماژیک وایت‌بردش را روی میز گذاشت و بی‌صبرانه برای شنیدن انتقاد زهرا محمدی در پشت‌میزش نشست.

زهرا بسیار منطقی و جسورانه گفت: خانم ما از ساعت یک ربع به هشت سرکلاسیم و معمولاً تا معلمان وارد کلاس شوند ساعت هشت می‌شود. حضور و غیاب دانش‌آموزان و خیلی از مواقع اعلام نمرات کلاسی و گپ و گفت‌های اولیه با بچه‌ها هم به‌صورت میانگین، تا بیست دقیقه وقت می‌گیرد. گاهی اتفاقاتی مثل آمدن گروه‌های آموزشی، بازرسان اداره، انجمن اولیا و آمدن اولیا در وقت کلاس درس و غیره هم در بسیاری از مواقع تا نیم‌ساعت وقت کلاس را می‌گیرد...

خانم دبیری با تأمل و سکوت هوشمندانه، همراه با تأیید، محبت و

آن روز هم مثل روزهای دیگر وارد کلاس شد. همه دانش‌آموزان با آوای برپای نوری، مبصر کلاس، بلند شدند و همه با آهنگ زیبا و یک نوا گفتند: سلام خانم! خانم دبیری هم با پایین آوردن سر خود و گفتن سلام به بچه‌ها پشت میزش نشست. بعد از لحظاتی دفتر حضور و غیاب را از کیف قهوه‌اش در آورد و شروع به خواندن اسامی دانش‌آموزان کرد. تقریباً یک ربع حضور و غیاب طول کشید. بعد موضوع درس را پای تخته نوشت و شروع به تدریس کرد. بیشتر از بیست دقیقه از تدریس خانم دبیری نگذشته بود که در کلاس، تق تق، به صدا در آمد. با گفتن بفرمایید خانم دبیری در کلاس باز شد. خانم ریزبین. معاون مدرسه، بود. در را باز کرد و گفت: خانم دبیری! ببخشید از گروه‌های آموزشی اداره کل برای بازدید از اوراق و دفاتر و برگه‌های دروس امتحانات آمده‌اند؛ لطف کنید چند دقیقه تشریف بیاورین در دفتر معاونت و به سؤالات مسئول گروه آموزشی ریاضی پاسخ دهید. تنها معلم ریاضی موظف آن روز خانم دبیری بود و ظاهراً او باید به تنهایی به تمام سؤالات مسئولان گروه‌های آموزشی پاسخ می‌داد! از زمان رفت تا برگشت خانم دبیری حدود نیم‌ساعت گذشت. مطالب ناتمام خانم دبیری روی تخته و دفترهای بچه‌ها باقی مانده بود.

بعد از گذشت حدود نیم ساعت بالاخره خانم دبیری در کلاس را با عجله باز کرد، پس از معذرت‌خواهی از بچه‌ها، با سرعت شروع به تدریس ادامه مطالب نمود. معلوم بود که در این فاصله خانم دبیری هم کمی موضوع را گم کرده، چون روش تدریس و بیانش با اول جلسه متفاوت بود. بدتر اینکه خیلی با عجله می‌خواست



زهرآ باز می‌خواست ادامه دهد که خانم دبیری با لبخند و خوشحالی از دانش‌آموزان خواست زهرآ را تشویق کنند. پس از دست محکمی که بچه‌ها زدند، خانم دبیری رو به زهرآ کرد و گفت: زهرآ جان! من بیشتر صحبت‌های تو را قبول دارم، اما عزیزم متأسفانه، و شاید خوشبختانه! بسیاری از همین برنامه‌هایی که شما گفتید جزء جدا نشدنی برنامه‌های آموزشی و پرورشی و ملی است که در خیلی از برنامه‌های آموزشی دنیا و هر کشوری متناسب با فرهنگ و ملیت و آموزش آن کشور گنجانده شده است، خانم دبیری داشت ادامه می‌داد که زنگ تفریح به صدا درآمد و صحبت‌های نیمه‌تمام ماند! و ساعت آموزشی اول آن روز هم به این شکل به پایان رسید!

می‌شود:

$$۶۰۰۰ * ۱ = ۶۰۰۰$$

$$۶۰۰۰ \text{ دقیقه}$$

$$۱۲۰۰۰ \text{ و } ۶۰۰۰ \text{ دقیقه در سال می‌شود}$$

$$۱۸۰۰۰ \text{ دقیقه}$$

بله، حداقل در سال حدود ۲۰ هزار دقیقه از این ۵۴ هزار دقیقه آموزشی با تعطیلات رسمی و غیررسمی، زنگ تفریح، شرکت دانش‌آموزان در مراسم ملی و مذهبی و... و حضور و غیاب و مسایل آموزشی دیگر و دیگر تلف می‌شود و برای ۱۴ میلیون دانش‌آموز می‌شود.

$$۱۴۰۰۰۰۰۰ * ۲۰۰۰۰ =$$

$$۲۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰$$

بله: ۲۸۰ میلیارد دقیقه!!

از ۷۵۶ میلیارد دقیقه آموزشی هدر می‌رود.

$$۳۰۰ * ۵ = ۱۵۰۰$$

و در هر ماه حدود

$$۱۵۰۰ * ۴ = ۶۰۰۰$$

و در یک سال تحصیلی ۹ ماه

$$۶۰۰۰ * ۹ = ۵۴۰۰۰ \text{ دقیقه}$$

و پنجاه و چهار هزار دقیقه برای ۱۴ میلیون دانش‌آموز می‌شود

$$۱۴۰۰۰۰۰۰ * ۵۴۰۰۰ =$$

$$۷۵۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰$$

۷۵۶ میلیارد دقیقه.

محمدی ادامه داد ۲ ماه از این سال تحصیلی به امتحانات دی و خرداد مصرف می‌شود.

$$۶۰۰۰ * ۲ = ۱۲۰۰۰$$

$$۱۲۰۰۰ \text{ دقیقه}$$

و حداقل یک ماه هم صرف تعطیلات رسمی و ملی و مذهبی و تعطیلات نوروز